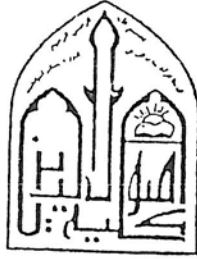


«الف»



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشکده اصول دین

قم

گروه: علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

«تحلیل و بررسی مسند احمد بن حنبل»

استاد راهنما

دکتر احمد عابدی

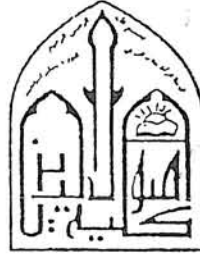
استاد مشاور

حجة الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی

نگارش

حسین خاکپور

نیمسال: دوم سال تحصیلی: ۷۹-۸۰



كلية اصول الدين

«قم»

قسم: علوم القرآن والحديث

رسالة ماجستير

عنوانها

«التحليل والتتبع في مسند الإمام أحمد بن حنبل»

الاستاذ المشرف

الدكتور احمد عابدى

الاستاذ المشاور

حجة الاسلام والمسلمين مهدي مهريزى

اعداد

حسين خاكبور

السنة:

١٤٢٢

«ب»



«سپاس»

حمد و سپاس خداوند منان را که به من توفیق عنایت کرد، تا مدتی در کنار بارگاه ملکوتی حضرت معصومه (س) به تحصیل علم مشغول باشم. در مدتی که سرگرم فراهم آوردن این مجموعه بودم، از زحمات استاد فرزانه دکتر احمد عابدی که بارها سخاوتمندانه نوشته‌های حقیر را مطالعه فرمودند و از کتابخانه شخصی خود کتاب در اختیارم گذاشتند، تقدیر و تشکر می‌نمایم. از خدمتگذار دین و دانش حجة الاسلام مهدی مهریزی و دانشور گرامی آیه الله معرفت که من را مرهون الطاف خود قرار دادند، و نیز از پدر و مادر گرامی ام که هرچه دارم - بعد از خدا - مدیون آنها هستم، سپاسگذارم.



تقدیم به :

کسی که بسیاری از پیشرفتهای زندگی ام را مدیون و مرهون زحمات طاقت فرسایشان هستم .
ایشان که همیشه با تشویق و ترغیب من ، سختی‌ها و مشکلات را برایم آسان می‌ساختند و با تکیه بر الطاف الهی و عنایات ائمه اطهار بخصوص حضرت بقیة الله الاعظم (عج) و ثامن الحجج (ع) ، من را به ادامه این راه امیدوار می‌ساختند .
این بزرگوار کسی نیست جز ، همسر دلسوز ، مهربان و فداکارم که این نوشته ناچیز را به محضرشان تقدیم می‌کنم .



چکیده:

بی شک مسند احمد از بزرگترین کتب حدیثی اهل سنت به شمار می‌رود. برای پرداختن به آن ابتدا: مسندنویسی در تاریخ حدیث شیعه و اهل سنت؛ مورد ارزیابی قرار گرفته، تا تمایز بین آنها مشخص شود. و پس از روشن نمودن مطالبی درباره زندگی احمد، از جمله مسئله خلق قرآن، به مسند او پرداخته‌ایم.

در تحلیل مسند سعی شده روش متعادلی در پیش بگیریم، و با بحثهایی چون: ناهمواریهای مسند، تنقیح مسند و... موضوع را بسط داده‌ایم. از مقایسه مسند احمد، با برخی مسانید دیگر، جایگاه این مجموعه در میان آنها مشخص شده است. و نیز مسئله میزان اعتبار مسند که همیشه نظرات گوناگونی را در پی داشته است - با تقسیم این نظرات به سه قسمت - طرح گردیده است. با پرداختن به برخی احادیث جعلی، مسئله تحریف در مسند را بعنوان بحثی قابل تأمل پیش کشیده‌ایم.

از بحثهایی که برای آن اهمیت خاصی قائل شده‌ایم، فضایل اهل بیت و حقانیت آنها در مسند است، که در فصلی جداگانه بیان شده، تا فضایل اهل بیت به عنوان مسأله‌ای جدی از خود مسند - به عنوان یکی از منابع حدیثی عامه - به عنوان دلیل و حجت علیه آنان بیان می‌شود.

کلید واژه: مسند، مسندنویسی، احمد بن حنبل، شیعه، تحریف، اهل بیت.



فهرست مطالب و مندرجات

صفحه

عنوان

فصل اول: مسند نویسی در تاریخ حدیث

۱	مقدمه
۷	۱،۱- بخش اول: مفهوم مسند و کتابهای حدیثی
۷	۱،۱،۱- سند
۷	الف: معنای لغوی
۷	ب: معنای اصطلاحی
۸	۱،۱،۲- اسناد
۸	الف: معنای لغوی
۸	ب: معنای اصطلاحی
۹	۱،۱،۳- مُسْنَد
۹	الف: معنای لغوی
۹	ب: معنای اصطلاحی
۱۰	۱،۱،۴- مُسْنَد
۱۰	الف: معنای لغوی
۱۰	ب: معنای اصطلاحی
۱۲	۱،۱،۵- کتابهای حدیثی
۱۲	۱،۱،۵،۱- کتابهایی که بر محور ابواب تألیف شده‌اند.



- | | |
|----|----------------------------------------------------------------|
| ۱۲ | الف: جوامع |
| ۱۳ | ب: سنن |
| ۱۳ | ج: صحاح |
| ۱۳ | د: مصنفات |
| ۱۳ | ه: مستدرکات |
| ۱۳ | و: مستخرجات |
| ۱۳ | ۱، ۲، ۵، ۱ - کتابهایی که بر محور نامهای صحابه مدون شده‌اند |
| ۱۳ | الف: مسانید |
| ۱۴ | ب: اطراف |
| ۱۵ | ۱، ۳، ۵، ۱ - معاجم |
| ۱۵ | ۱، ۴، ۵، ۱ - کتابهایی که بر اساس واژه آغازین حدیث مرتب شده‌اند |
| ۱۶ | ۱، ۵، ۵، ۱ - مجامع یا کتابهای فراگیر |
| ۱۶ | ۱، ۵، ۶، ۱ - زواید |
| ۱۷ | ۱، ۵، ۷، ۱ - تخریج |
| ۱۷ | ۱، ۵، ۸، ۱ - اجزاء |
| ۱۷ | ۱، ۵، ۹، ۱ - مشایخ |
| ۱۷ | ۱، ۵، ۱۰، ۱ - علل |
| ۱۸ | ۱، ۵، ۱۱، ۱ - امالی |
| ۱۸ | ۱، ۶، ۱ - نقد و سنجش روش مسند نگاری |



- ۲۰ - ۱،۱،۷ - سبب نامگذاری مسند بر کتابهای مورد بحث و پیشینه
- ۲۱ - ۱،۱،۸ - هرج و مرج در بکار بردن نام مسند
- ۲۲ - ۱،۱،۹ - نوعی دیگر از مسندها
- ۲۳ - ۱،۲ - بخش دوم: مسند نویسی در میان اهل سنت
- ۲۳ - ۱،۲،۱ - جایگاه مسند نویسی در تاریخ تدوین حدیث اهل سنت
- ۲۷ - ۱،۲،۲ - مراحل تدوین حدیث نزد اهل سنت
- ۲۸ - ۱،۲،۳ - اولین مؤلف مسند کیست
- ۳۱ - ۱،۲،۴ - جایگاه مسندها در میان مجموعه‌های حدیثی
- ۳۲ - ۱،۲،۵ - بیان چند نکته
- ۳۳ - ۱،۳ - بخش سوم: شیعه و مسند نویسی
- ۳۳ - ۱،۳،۱ - کلام اول
- ۳۳ - ۱،۳،۲ - معنای اصل
- ۳۳ - الف) معنای لغوی
- ۳۴ - ب) معنای اصطلاحی
- ۳۷ - ۱،۳،۳ - مزایای اصل
- ۳۸ - ۱،۳،۴ - عصر تألیف اصول چهار صد گانه
- ۴۰ - ۱،۳،۵ - وجوه همانندی میان اصلاها و مسندها
- ۴۲ - ۱،۳،۶ - برتری اصلاها بر مسندها
- ۴۲ - ۱،۳،۷ - مسندهای شیعه



- ۴۴ - ۱،۳،۸ - تعداد مسندها
- ۴۵ خلاصه
- فصل دوم: گزارشی کلی از مسند احمد بن حنبل
- ۴۸ - ۲،۱ - بخش اول: شرح حال احمد
- ۴۸ - ۲،۱،۱ - حیات احمد
- ۵۱ - ۲،۱،۲ - حدوث یا قدم قرآن
- ۵۲ - ۲،۱،۲،۱ - تاریخچه پیدایش
- ۵۶ - ۲،۱،۲،۲ - آیا مسأله از شاخه‌های توحید است؟
- ۵۸ - ۲،۱،۲،۳ - موضوع حدوث و قدم چیست؟
- ۵۹ - ۲،۱،۲،۴ - نقد و بررسی
- ۶۳ - ۲،۱،۳ - استادان احمد
- ۶۵ - ۲،۱،۴ - آراء و عقاید
- ۶۸ - ۲،۱،۵ - آثار احمد
- ۶۹ - ۲،۱،۶ - موقعیت او در میدان فقاقت و نظر علماء درباره او
- ۷۲ - ۲،۱،۷ - تحلیلی کوتاه بر اندیشه‌های احمد
- ۷۵ - ۲،۲ - بخش دوم: نکاتی درباره مسند
- ۷۵ پیشگفتار
- ۷۶ - ۲،۲،۱ - تنقیح مسند
- ۷۹ - ۲،۲،۲ - تعداد مسندها و تقدیم و تأخیر مسانید در این مجموعه



- ۸۱ - ۲،۲،۳ - پاره‌ای از ناهمواریهای مسند
- ۸۱ الف: پراکندگی مرویات یک صحابه در چند جا
- ۸۲ ب: احادیثی که اشتباهاً در مسند دیگری آمده
- ۸۷ - ۲،۲،۴ - راویان مسند
- ۸۸ - ۲،۲،۵ - کتابها و آثارى که درباره مسند نوشته شده است
- ۸۸ - ۲،۲،۵،۱ - نوشته‌های توصیفی
- ۸۹ - ۲،۲،۵،۲ - فهرستهای راهنما
- ۹۰ - ۲،۲،۵،۳ - شرحها
- ۹۱ - ۲،۲،۵،۴ - کارهای اصلاحی
- ۹۲ - ۲،۲،۵،۵ - گزیده‌ها
- ۹۳ - ۲،۲،۵،۶ - چاپهای مسند
- ۹۶ - ۲،۲،۶ - شمار احادیث مسند
- ۹۸ - ۲،۲،۷ - مسند احمد و نخستین دفترهای حدیثی
- ۹۹ - ۲،۲،۸ - چرا اهل سنت این کتاب را جزء صحاح خود بشمار نمی آورند؟
- ۱۰۱ - ۲،۲،۸،۱ - بررسی مسأله
- ۱۰۲ - ۲،۲،۸،۲ - شروط بخاری و مسلم
- ۱۰۶ - ۲،۲،۸،۳ - مقایسه اجمالی دو صحیح
- ۱۰۹ - ۲،۲،۹ - مقایسه اجمالی مسند احمد با چند مسند دیگر
- ۱۰۹ - ۲،۲،۹،۱ - مسند طیالسی



- ۱۱۱ الف: شمار احادیث
- ۱۱۳ ب: سنجش مقدار احادیث برخی صحابی نامدار بین مسند احمد و مسند طرابلسی
- ۱۱۳ ج: چابها و شرحهای مسند
- ۱۱۵ ۲،۲،۹،۲ - مسند حمیدی
- ۱۱۶ الف: شمار احادیث و برخی اطلاعات دیگر
- ۱۱۷ ب: راویان مسند
- ۱۱۸ ج: تقدیم و تأخیر و صحابه
- ۱۱۸ د: مناقب اهل بیت در این مسند
- ۱۱۹ هـ: فهرستهای مسند
- ۱۲۰ ۲،۲،۹،۳ - مسند ابویعلی موصلی
- ۱۲۰ الف: برخی مطالب درباره این مسند
- ۱۲۱ ب: منزلت و اعتبار مسند
- ۱۲۲ ج: کارهای مصحح
- ۱۲۲ د: شمار احادیث
- ۱۲۳ هـ: مناقب اهل بیت در این مسند
- ۱۲۳ و: تحقیقهای این مسند
- ۱۲۴ ز: مقایسه احادیث برخی صحابه نامدار در مسند احمد و این مسند
- ۱۲۵ ۲،۲،۹،۴ - مسند الجامع
- ۱۲۵ الف: روش کتاب

- ۱۲۶ ب: برخی اطلاعات دیگر
- ۱۲۹ ۲،۲،۱۰ - گزارش کتاب‌شناسی مسند احمد
- ۱۴۰ خلاصه.

فصل سوم: اعتبار مسند احمد و مسأله تحریف در آن

- ۱۴۲ ۳،۱ - بخش اول: اعتبار مسند احمد
- ۱۴۲ ۳،۱،۱ - میزان اعتبار مسند در نزد اهل سنت
- ۱۴۴ ۳،۱،۱،۱ - آراء و دلایل گروه اول
- ۱۴۷ ۳،۱،۱،۲ - نظرات گروه دوم
- ۱۵۰ ۳،۱،۱،۳ - نظرات و آراء دسته سوم
- ۱۵۷ ۳،۱،۲ - چند حدیث ساختگی
- ۱۵۷ ۳،۱،۲،۱ - یک حدیث ساختگی از نگاه ابن جوزی
- ۱۵۸ ۳،۱،۲،۲ - یک حدیث ساختگی از نگاه حافظ زین الدین عراقی
- ۱۶۰ ۳،۱،۲،۳ - یک حدیث ساختگی از نگاه مامقانی
- ۱۶۰ ۳،۱،۲،۴ - یک حدیث ساختگی از نگاه احمد محمد شاگر
- ۱۶۳ ۳،۱،۲،۵ - یک حدیث ساختگی از نگاه سید کاظم طباطبائی
- ۱۶۴ ۳،۱،۲،۶ - بیان چند حدیث ساختگی از دیدگاه نگارنده
- ۱۶۶ ۳،۱،۳ - نظر شیخ در مورد مسند احمد بن حنبل
- ۱۶۹ ۳،۲ - بخش دوم: اوهام احمد بن حنبل و تحریف در مسند او
- ۱۶۹ ۳،۲،۱ - اوهام احمد بن حنبل



- ۱۶۹ ۱، ۲، ۳ - وهم اول
- ۱۷۱ ۲، ۳، ۱ - وهم دوم
- ۱۷۵ ۳، ۲، ۱ - وهم سوم
- ۱۷۶ ۴، ۱، ۲، ۳ - وهم چهارم
- ۱۸۲ ۲، ۳ - تحریف در مسند احمد
- ۱۸۵ ۱، ۲، ۳ - نحوه تشیح مسند و احتمال تحریف در آن
- ۱۹۱ ۲، ۳، ۲ - راویان مسند و احتمال تحریف در روایت آنها
- ۱۹۱ الف: عبدالله بن احمد (رک، ص ۸۷)
- ۱۹۱ ب: قطیعی
- ۱۹۳ ج: ابن المذهب
- ۱۹۵ د: ابن الحصین
- ۱۹۵ هـ: حنبل بن عبدالله الرصافی
- ۱۹۶ و: ابن البخاری
- ۱۹۷ ز: صلاح الدین
- ۱۹۷ ۳، ۲، ۳ - تحریف در روایات
- ۱۹۷ ۱، ۳، ۲، ۳ - روایاتی که ابن حجر در فتح الباری به نقل از مسند احمد ذکر کرده و الآن نیست
- ۲۰۰ ۲، ۳، ۲، ۳ - روایات التذیر به نقل از مسند که هم اکنون به شکل دیگری است.
- ۲۰۲ خلاصه.



فصل چهارم: اهل بیت در مسند احمد

۴،۱- بخش اول: حقانیت اهل بیت در جانشینی رسول اکرم (ص) ۲۰۴

۴،۱،۱ - سخن نخست: ۲۰۴

۴،۱،۲ - شاهد اول: خلفای بعد از پیامبر ۱۲ نفرند ۲۰۵

۴،۱،۳ - شاهد دوم: عزت و سربلندی اسلام و امدار وجود خلفای ۱۲ گانه است ۲۰۶

۴،۱،۴ - شاهد سوم: آخرین جانشین رسول خدا، مهدی (عج) است. ۲۰۶

۴،۱،۵ - شاهد چهارم: مراد از قریش بنی هاشم هستند ۲۰۷

۴،۱،۶ - شاهد پنجم: حدیث ثقلین ۲۰۹

۴،۱،۷ - شاهد ششم: فضایل ۲۱۰

۴،۱،۸ - شاهد هفتم: نادیده گرفتن حرمت مدینه ۲۱۱

۴،۱،۹ - شاهد هشتم: خلافت بعد از پیامبر «سی» سال است و بقیه پادشاهی است ۲۱۲

۴،۱،۱۰ - شاهد نهم: اعتراف مذاهب چهارگانه بر قریشی بودن امام مسلمانان ۲۱۲

۴،۱،۱۱ - شاهد دهم: مرگ بدون شناخت امام مرگ جاهلی است ۲۱۳

۴،۱،۱۲ - شاهد یازدهم: حاکمانی که باعث مرگ نماز می شوند ۲۱۴

۴،۱،۱۳ - شاهد دوازدهم: مصادیق واقعی احادیث ۲۱۵

۴،۲- بخش دوم: فضایل اهل بیت در مسند احمد ۲۱۶

۴،۲،۱ - فضایل علی (ع) ۲۱۶

الف: حدیث منزلت ۲۱۶

ب: چگونگی برخورد با علی (ع) ۲۱۹



- ۲۲۰ ج: خواندن سوره برائت بر مشرکین
- ۲۲۲ د: حدیث غدیر خم
- ۲۲۶ ه: حدیث ثقلین
- ۲۲۷ نقد و بررسی
- ۲۳۰ ۴،۲،۲ - فضایل اهل بیت به طور عام
- ۲۳۲ ۴،۲،۳ - فضایل حضرت فاطمه (س) در مسند
- ۲۳۲ الف: تعلیم تسبیح
- ۲۳۳ ب: افضل زنان اهل بهشت
- ۲۳۳ ج: فاطمة بضعة منی (فاطمه پاره تن من است)
- ۲۳۳ د: اخبار نبی به اینکه فاطمه اولین کسی است که به او ملحق می شود
- ۲۳۴ ۴،۲،۴ - فضایل حسنین (ع)
- ۲۳۴ الف: فضایل امام حسن (ع)
- ۲۳۵ ب: فضایل امام حسین (ع)
- ۲۳۶ ۴،۲،۵ - اخبار نبی به ۱۲ خلیفه
- ۲۳۸ ۴،۲،۶ - اخبار مروی از نبی به ظهور حضرت مهدی (عج)
- ۲۴۴ خلاصه .

فصل پنجم: شیعه در مسند احمد بن حنبل

- ۲۴۶ ۵،۱ - بخش اول: راویان شیعه در مسند احمد
- ۲۴۶ ۵،۱،۱ - تعریف لغوی و اصطلاحی



- ۲۴۶ الف: تعریف لغوی
- ۲۴۶ ب: تعریف اصطلاحی
- ۲۴۷ ۵،۱،۲ - اجحاف اهل سنت و جماعت در عدم نقل از شیعه
- ۲۵۱ ۵،۱،۳ - جلوه‌هایی از تشیع در مسند احمد
- ۲۵۵ ۵،۱،۴ - شیوخ احمد بن حنبل از شیعه
- ۲۵۷ ۵،۱،۵ - برخی راویان شیعه که درباره آنها از احمد سؤال شده
- ۲۵۹ ۵،۱،۶ - بررسی راویان شیعه در مسند احمد
- ۲۵۹ ۵،۱،۶،۱ - دسته اول: راویان و نظر علماء درباره آنها با ذکر نمونه حدیث
- ۲۵۹ ۵،۱،۶،۱،۱ - اسماعیل بن زکریا
- ۲۶۰ ۵،۱،۶،۱،۲ - سعید بن وهب
- ۲۶۱ ۵،۱،۶،۱،۳ - عبید الله بن ابی رافع
- ۲۶۲ ۵،۱،۶،۱،۴ - طارق بن شهاب الاحمسی
- ۲۶۳ ۵،۱،۶،۱،۵ - زید بن الحباب
- ۲۶۵ ۵،۱،۶،۱،۶ - عبدالرحمن بن ابی یعلی
- ۲۶۷ ۵،۱،۶،۱،۷ - حارث اعور
- ۲۶۷ ۵،۱،۶،۱،۸ - عبیده السلمانی عربی
- ۲۶۹ ۵،۱،۶،۱،۹ - عبدالله بن شداد
- ۲۶۹ ۵،۱،۶،۱،۱۰ - جابر بن عبدالله انصاری
- ۲۷۱ ۵،۱،۶،۲ - دسته دوم: ذکر نام برخی از راویان شیعه و نظر علمای اهل سنت درباره آنها



- ٢٧١ - ٥.١.٦.٢.١ - ابان بن تغلب
- ٢٧٥ - ٥.١.٦.٢.٢ - ابراهيم بن ابي يحيى
- ٢٧٨ - ٥.١.٦.٢.٣ - ابراهيم بن يزيد النخعي
- ٢٧٩ - ٥.١.٦.٢.٤ - اسحاق بن منصور السلوى
- ٢٨٠ - ٥.١.٦.٢.٥ - اسماعيل بن ابان الوراق
- ٢٨٢ - ٥.١.٦.٢.٦ - اسماعيل بن عبدالرحمن
- ٢٨٣ - ٥.١.٦.٢.٧ - تليد بن سليمان
- ٢٨٥ - ٥.١.٦.٢.٨ - جريو بن عبدالحميد
- ٢٨٦ - ٥.١.٦.٢.٩ - حمران بن اعين
- ٢٨٨ - ٥.١.٦.٢.١٠ - سالم بن ابي حفصه
- ٢٩٠ - ٥.١.٦.٢.١١ - سعيد بن خيثم الهاللي
- ٢٩١ - ٥.١.٦.٢.١٢ - سليمان بن قرم
- ٢٩٢ - ٥.١.٦.٢.١٣ - عائد بن حبيب
- ٢٩٣ - ٥.١.٦.٢.١٤ - عباد بن عوام
- ٢٩٤ - ٥.١.٦.٢.١٥ - عبدالرزاق بن همام
- ٢٩٦ - ٥.١.٦.٢.١٦ - عبيد الله بن موسى
- ٢٩٩ - ٥.١.٦.٢.١٧ - على بن جعد
- ٣٠٠ - ٥.١.٦.٢.١٨ - على بن عاصم
- ٣٠١ - ٥.١.٦.٢.١٩ - على بن هاشم القرشي



- ۳۰۳ - ۵،۱،۶،۲،۲۰ - فضل بن دکین
- ۳۰۴ - ۵،۱،۶،۲،۲۱ - محمد بن عبدالله الزبیر
- ۳۰۵ - ۵،۱،۶،۲،۲۲ - محمد بن فضیل
- ۳۰۷ - ۵،۲ - بخش دوم: روایات مخالف نظر شیعه در مسند
- ۳۰۷ - ۵،۲،۱ - عقاید
- ۳۰۷ - ۵،۲،۱،۱ - ظہور مہدی (عج)
- ۳۰۸ - ۵،۲،۱،۲ - رؤیت خدا
- ۳۰۹ - ۵،۲،۱،۳ - صفات خدا
- ۳۰۹ - ۵،۲،۱،۳،۱ - نزول خدا و دوست داشتن او
- ۳۱۰ - ۵،۲،۱،۳،۲ - ساق و قدم خدا
- ۳۱۱ - ۵،۲،۱،۴ - گریہ بر میت
- ۳۱۳ - ۵،۲،۱،۵ - فترت وحی
- ۳۱۴ - ۵،۲،۱،۶ - ایمان ابوطالب
- ۳۱۵ - ۵،۲،۱،۷ - مقام زن
- ۳۱۵ - ۵،۲،۱،۸ - احادیث تاریخی مربوط به جمع قرآن
- ۳۱۷ - ۵،۲،۱،۹ - ممنوعیت کتابت غیر قرآن در زمان رسول خدا (ص)
- ۳۱۸ - ۵،۲،۲ - احادیث فقهی
- ۳۱۸ - ۵،۲،۲،۱ - سه طلاق در یک مجلس
- ۳۲۰ - ۵،۲،۲،۲ - متعہ



- ۳۲۵ - ۵،۲،۲،۳ - وضو
- ۳۲۹ - ۵،۲،۲،۴ - قنوت
- ۳۳۱ - ۵،۲،۲،۵ - طهارت
- ۳۳۱ - ۵،۲،۲،۶ - طواف
- ۳۳۲ - ۵،۲،۲،۷ - شک در نماز
- ۳۳۳ - ۵،۲،۲،۸ - استقبال قبله هنگام تخی
- ۳۳۴ - ۵،۲،۲،۹ - شراب مخلوط با آب
- ۳۳۴ - ۵،۲،۲،۱۰ - ترک ارث برای کسیکه صدقه بر او حرام است

خلاصه

فصل ششم: راویان ضعیف در مسند احمد

- ۳۳۷ - ۶،۱ - بخش اول: ضعفا و متروکین در مسند
- ۳۳۷ - ۶،۱،۱ - پیامبر و دروغ پردازان
- ۳۳۹ - ۶،۱،۲ - ابوهریره
- ۳۴۲ - ۶،۱،۳ - راویانی که وهم در حدیث آنها داخل شده است
- ۳۴۴ - ۶،۱،۴ - ضعفا در مسند و تعداد احادیث آنها (دیدگاه عامر حسن)
- ۳۴۴ - ۶،۱،۵ - متروکین در مسند از دیدگاه عامر حسن صدیقی
- ۳۴۴ - ۶،۱،۶ - راویان مجهول و تعداد احادیث آنها در مسند
- ۳۴۴ - ۶،۱،۷ - احادیثی که در «العلل» و مسند آمده
- ۳۴۶ - ۶،۱،۸ - احادیثی که در مسند وجود دارد و احمد آنها را ضعیف دانسته



۶،۲- بخش دوم: راویان ضعیف در مسند و شرح حال آنها از کتب

رجال اهل سنت

- ۳۵۰
۳۵۰ - ۶،۲،۱ - احمد بن ابی العوفی
- ۳۵۱ - ۶،۲،۲ - احمد بن ابی احمد
- ۳۵۲ - ۶،۲،۳ - احمد بن محمد بن عمیر بن یونس
- ۳۵۳ - ۶،۲،۴ - احمد بن صالح
- ۳۵۴ - ۶،۲،۵ - احمد بن محمد بن حرب
- ۳۵۵ - ۶،۲،۶ - احمد بن محمد بن الازهر
- ۳۵۵ - ۶،۲،۷ - احمد بن محمد بن عمر
- ۳۵۶ - ۶،۲،۸ - ابراهیم بن مسلم
- ۳۵۷ - ۶،۲،۹ - ابراهیم بن مهاجر
- ۳۵۸ - ۶،۲،۱۰ - ابراهیم بن مهاجر بن مسمار
- ۳۵۹ - ۶،۲،۱۱ - ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی
- ۳۶۰ - ۶،۲،۱۲ - ابراهیم بن الفضل
- ۳۶۱ - ۶،۲،۱۳ - ابراهیم بن اسماعیل
- ۳۶۲ - ۶،۲،۱۴ - ابراهیم بن عیاش
- ۳۶۳ - ۶،۲،۱۵ - اسحاق بن الربیع
- ۳۶۴ - ۶،۲،۱۶ - ادیس بن سنان
- ۳۶۴ - ۶،۲،۱۷ - اسماعیل بن یحیی



- ۳۶۵ - ۶،۲،۱۸ - اسماعیل بن شروس
- ۳۶۵ - ۶،۲،۱۹ - ابان بن ابی عیاش
- ۳۶۸ - ۶،۲،۲۰ - اسامة بن زید
- ۳۶۹ - ۶،۲،۲۱ - اسید بن زید
- ۳۶۹ - ۶،۲،۲۲ - اصرم بن حوشب

خلاصه

۳۷۰

پیشنهادها

۳۷۱

کتابنامه

۳۷۲

فهرست نمودارها

صفحه	شماره نمودار	عنوان نمودار
۲۶	۱	تاریخ زندگی صاحبان صحاح
۱۲۸	۲	سنجش مقدار احادیث چند صحابه نامدار در پنج مسند معروف
۱۵۶	۳	دسته بندی احادیث مسند ح
۲۳۹	۴	مناقب اهل بیت و حضرت علی (ع) در مسند احمد

**مقدمه:**

منت خدای را عز و جل ، که طاعتش موجب قربت است ، و بشکر اندرش مزید نعمت . هر نفس که فرو میرود ممد حیات است ، و چون بر می آید مفرح ذات . پس بر هر نفسی دو نعمت موجود است ، و بر هر نعمت شکری واجب .

سپاس فراوان خدای را که بر من منت نهاد و در جوار کریمه اهل بیت، زمینه‌ای فراهم ساخت تا قدری در دریای بی‌کران حدیث غور نمایم، تا بتوانم گامی هر چند ناچیز در راه خدمت به علم بردارم. و خداوند به بزرگی خود از کوتاهی ما خواهد گذشت که :

بنده همان به که ز تقصیر خویش

عذر به درگاه خدا آورد

ورنه سزاوار خداوندیش

کس نتواند که بجا آورد^(۱)

شوق من به حدیث و تا حدی کم توجهی محققان شیعه به حدیث اهل سنت ، و عواملی دیگر من را بر آن داشت تا با راهنماییهای اساتید فرزانه، دکتر احمد عابدی و حجة الاسلام و المسلمین مهریزی ، بنای موضوعی را پیریزی کنم و گام در راهی دشوار نهم. از آنجا که مسند احمد بن حنبل ، یکی از گسترده‌ترین و تا حدی قدیمی‌ترین، منابع حدیثی اهل سنت می‌باشد و حتی در میان خود آنها - به دلایلی چند - مورد بی‌مهری قرار گرفته، طرح خود را در مورد تحلیل و بررسی این مسند

۱ - سعدی ، شیخ مصلح‌الدین: گلستان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات رجبی ، ۱۳۶۹ ش ،

ارائه دادم. اگر چه کار بسیار بود و مسند هم وسیع، و قلم من ناتوان.

پس از طی مراحل اولیه، ابتدا به شناخت منابع پرداختم، و این کار را از کتابخانه آستان قدس رضوی شروع کردم. پس از انمام کار، فیش برداری را شروع نمودم و بنا شد موضوع به موضوع تحقیق، و مطالب را دسته‌بندی نمایم و سپس آنها را به استاد ارائه دهم که این کار مدت نه ماه طول انجامید؛ چه اینکه طبیعت کار وقتگیر بود.

در روند تحقیق علاوه بر کتابخانه آستان قدس از کتابخانه‌های: تخصصی حدیث، "دارالحدیث"، هر دو در قم و نیز کتابخانه "دانشکده اصول دین قم" و دانشگاه رضوی مشهد، و "گروه شاد" بهره‌ها بردم و علاوه بر آنها "کتابخانه آقا بزرگ کاشان" نیز مورد استفاده قرار گرفت.

در این میان محدودیتهای زیادی وجود داشت که به چند نمونه اشاره می‌کنم.

الف: دوری راه و عدم وجود برخی کتب تخصصی حتی در کتابخانه آستان قدس که گاهی لازم بود برای یک کتاب تا قم مسافرت کنم.

ب: عدم همکاری کتابخانه آیه... مرعشی برای حتی دیدن کتاب "بررسی مسند احمد ابن حنبل" اثر "احمد خدایی" و "سید محمود موسوی نژاد" که به اهتمام دار التبلیغ الاسلامی در سال ۱۳۵۳ ش به چاپ رسیده است. و این در حالی بود که این کتاب در هیچیک از کتابخانه‌های پیشگفته وجود نداشت.

ج: عدم وجود تمام چاپهای مسند در یک کتابخانه و یا حتی چند چاپ تا امکان مقابله آنها را فراهم آورد.

با وجود این محدودیتها، همواره سعی کردم با تلاش چند برابر، آنها را جبران

نمایم . موضوع مورد بحث با این سبکی که کار کردیم - اگر اغراق نباشد - تا حالا کار نشده ، کارهایی که دربارهٔ مسند احمد انجام شده علاوه بر شرحها که عمدتاً به سَنَد حدیث پرداخته و میمترین و محققانهترین آنها شرح مرحوم شاکر است ، کار چندانی انجام نشده .

کار دربارهٔ مسند بیشتر به صورت موردی بوده ، مثلاً: آقای "قمی و شنوی" احادیث فضایل امیرالمؤمنین و اهل بیت را از این مسند عظیم ، گردآوری کرده که در آن فقط به ذکر حدیث بسنده نموده است بدون بررسی محتویات آنها. کار دیگر دربارهٔ این مسند ، تحقیق دو پژوهشگر معاصر ، "خدایی و موسوی نژاد" است که قبلاً ذکر آن گذشت که این کار هم تا جایی که آقای کاظم طباطبایی و دکتر عارف به آن استناد کرده اند ، به سبک کار ما نیست . به هر حال بحث بیشتر پیرامون کارهای انجام شده دربارهٔ مسند ، در بخشی به همین نام می آید و در کتابشناسی مسند ، به تفصیل ذکر می شود.

در این تحقیق با چند فصل برخورد می کنید.

فصل اول: بررسی "مسند و مسند نویسی" در میان شیعه و اهل سنت است، از آنجا که این کار مقدمه بحث اصلی است و محقق گرامی سید کاظم طباطبایی این کار را بسیار خوب انجام داده اند، در این فصل بیشتر از کتاب ایشان و مقاله آقای مختاری و منابع دیگر استفاده شده است.

فصل دوم: گزارش کلی است از مسند احمد، که با شرح زندگی احمد شروع شده و بحثهایی مثل: کیفیت تدوین ، تعداد مسندها ، مقایسه اجمالی مسند احمد با چند



مسند دیگر و بحثهایی از این قبیل را در بردارد.

فصل سوم: به میزان اعتبار مسند احمد در نزد شیعه و اهل سنت می پردازیم.

فصل چهارم: به احادیث پیرامون اهل بیت در مسند و بیان فضایل آنها و حقانیتشان با استناد به احادیث این مسند پرداختیم.

فصل پنجم: شیعه را در مسند احمد بررسی کردیم و در آن بحثهایی مثل: راویان شیعه در مسند و غیره بیان شده.

فصل ششم: در فصل آخر هم به راویان ضعیف در مسند پرداختیم تا بیان کنیم در مسند راویان ضعیف بسیاری وجود دارند.

اهداف و اهمیت کار

۱- با شناخت یکی از گسترده ترین کتابهای حدیثی اهل سنت، به جایگاه اهل بیت در آن پی می بریم و به اهل سنت نشان می دهیم که، در کتابهای آنها در مورد فضایل اهل بیت، حدیث بسیار است.

۲- بیان عقیده شیعه مبنی بر حقانیت اهل بیت و این مطلب را با استناد از مسند احمد، به رخ اهل سنت کشیدن و عدم وجود اینگونه احادیث به این گستردگی در مورد خلفای سه گانه و عقیده آنها.

۳- اثبات جانشینی امامان دوازده گانه شیعه با عنایت به این مسند و بررسی مسئله ظهور حضرت مهدی و احادیث آن در این مسند و اثبات حقانیت اینکه از ذریه اهل بیت است.

۴- اثبات وجود احادیث ضعیف، راویان ضعیف و حتی احادیث جعلی در این



مسند و این نشان می‌دهد که در کتابهای اهل سنت، حدیث ساختگی و ضعیف بسیار است و این نمونه‌ای از آنهاست.

۵- با بیان بحث تحریف و اثبات آن، نشان می‌دهیم که مسند تحریف شده یا حداقل امکان تحریف آن وجود داشته و قطعاً آن چیزی نیست که احمد بر فرزندانش قرائت کرد.

۶- توجه بیشتر پژوهشگران به احادیث اهل سنت و اثبات حقانیت اهل بیت و شیعه از روایات خود آنها و این بسیار با اهمیت است که از مطالب خود آنها بر علیه خوشان استناد شود و اهمیت کار هم دوچندان می‌شود.

در خاتمه بیان می‌کنم که در بخشهایی چون: شیعه در مسند احمد، راویان ضعیف در مسند احمد و برخی بخشهای دیگر، به علت گستردگی و تکرار زیاد منابع، فقط به ذکر نام مؤلف، نام کتاب یا مقاله و جلد و صفحه آن اکتفا شده و بقیه در کتابنامه ذکر شده، و نیز بعلاوه برخی اختلافات در نگارش و تدوین، از کتاب "راهنمایی نگارش و ویرایش" اثر دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح و کتاب "روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی" اثر دکتر عزت‌الدین نادری و دکتر مریم سیف نراقی، بهره بردم.

از پژوهشگران نکته‌سنج و تیزبین، می‌خواهم نکات ضعف را متذکر شوند، تا در آینده و در مراحل بعدی اصلاح و تکمیل شود.

تیر ماه ۱۳۸۰ خورشیدی

حسین خاکپور



فصل اول

مسندنویسی در تاریخ حدیث





بخش اول:

۱،۱- مفهوم مسند و انواع کتابهای حدیثی

۱،۱،۱- سَنَد

الف: معنای لغوی سَنَد:

«سَنَد» (جمع آن اسناد و جمع جمع آن اسانید) به معنای دامنه، نشیب و سرازیری کوه، زمین بلند که روبروی شخص باشد، بمعنی تکیه گاه، دستاویز و نوشته‌ای که بدان اختیار شغل و ملکی را به کسی دهند، به کار می‌رود. (اِسْتَدَّ) و (تَسَانَدَ) نیز به همین معناست. (۱)

ب: معنای اصطلاحی سَنَد:

«سَنَد» نزد حدیث شناسان عبارتست از: طریق متن یا زنجیره بهم پیوسته راویان که یکی پس از دیگری. حدیث را روایت کند تا به معصوم برسند. (۲)

چون حدیث قوت و ضعف خود را از احوال راویان خود و پیوستگی و گسستگی

۱- جوهری، ابونصر اسد، عیال بن حماد: صحاح (تاج اللغة و صحاح اللغة) تحقیق احمد عبد الغفور عطار، ۶ جلد، الطبعة الرابعة، بیروت، دارالملايين، ۴۸۹/۲؛ فراهیدی، خلیل ابن احمد: کتاب العین، تحقیق دکتر هندی المدخرومی و دکتر ابراهیم السامرانی، تصحیح السعد الطیب، ۳ ج، الطبعة الاولى، قم، انتشارات (السوه)، ۱۴۱۴ هـ، ۸۶۲/۲؛ الزبیدی؛ تاج العروس، تحقیق علی شری، بیروت، دارالنکر، ۱۴۱۴ هـ، ۲۷/۵.

۲- صدر، سید حسن: نهایة الدرایة، الطبعة الاولى، الهند (کهنو)، ۱۳۲۴، ص ۱۲؛ سیوطی، جلال الدین: تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، حقه عبدالوهاب عبداللطیف، ۲ ج، طبعة الثانية، القاهرة، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۸۵ ق، ۴/۱؛ الشہید الثاني، زین الدین العاملی: الدرایة، ۱ ج، النجف، مطبعة النعمان، ص ۷.



زنجیره آنان کسب می‌کند، از همین رو مجازاً می‌گوییم: حدیث "قوی السند" است، چون سند بمنزله ستونی است که متن حدیث بر آن استوار است. (۱)

۱،۱،۲ - اسناد

الف: معنای لغوی اسناد:

"اسناد" مصدر از باب افعال است و بعضی مواقع اَسْنَد و سَنَد به یک معنا می‌باشند ولی کاربردهای دیگری هم دارد؛ مثل: "أَسْنَدُهُ فِي الْجَبَلِ" یعنی او را بر کوه بالا برد. "أَسْنَدَهُ إِلَيْهِ" یعنی آن را به آن چیز تکیه داد. و "أَسْنَدَ الْحَدِيثَ" یعنی آن سخن را پله پله بالا برد و به گوینده‌اش نسبت داد، پس اسناد به معنای بالا بردن، تکیه و یا نسبت دادن چیزی به چیزی یا کسی، نسبت دادن حدیث یا سخن به گوینده آن، بکار می‌رود. (۲)

ب: معنای اصطلاحی اسناد:

«اسناد» در مقابل «ارسال» (رها ساختن): به معنایی نسبت دادن حدیث به معصوم (ع) است از رهگذر ذکر تک تک راویان آن و غالباً "مسند" و "اسناد" به یک معنا به کار می‌روند. (۳)

۱- الزمخشری، محمود بن عمر: اساس البلاغه، ج ۱، بیروت، دارصادر- داربیروت، ۱۳۸۵ هـ ق، ص ۳۱۰.

۲- همان منابع سَنَد و نَزْر، ابن منظور الافرقی، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم: لسان العرب، ج ۱۸، الطبعة الاولى، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹، ۳۸۸/۶؛ الطریحی، فخرالدین: مجمع البحرین، تحقیق احمد الحسینی، الطبعة الاولى، طهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۸۶ ش، ۷۱/۳.

۳- الکلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب: الکافی، صححه علی اکبر الغفاری، طهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۸۳/۴؛ الدجلیسی الثانی، المولی محمد تقی: بحار الانوار، ج ۱۱۰، الطبعة الثانیه،

این کاربرد یکسان به این جهت است: متن حدیث ناگزیر از داشتن طریقی است که آن را به گوینده‌اش برساند، این طریق را به اعتبار اینکه در بیان صحت و ضعف حدیث دستاویز و تکیه‌گاه حدیث پژوهان است، "سند" گویند و به اعتبار اینکه نسبت حدیث به گوینده‌اش را دربردارد، «اسناد نامند».^(۱)

قابل ذکر است که حدیث شناسان اهل سنت از زبان "مالک بن انس" (۱۷۹ق) نوشته‌اند که "ابن شهاب زهری" (۱۲۴ق) نخستین کسی است که حدیث را با سند نقل کرده و آن را به راوی یا گوینده‌اش نسبت داد^(۲) و نیز اینکه اهل سنت این اصطلاحات را استعمال نمی‌کنند، مگر در مورد آنچه به "نبی (ص)" متصل شود.^(۳)

۱،۱،۳ - مُسْنِد

الف: معنای لغوی مُسْنِد:

«مُسْنِد» اسم فاعل (صفت فاعلی) از "أَسْنَد" است. آنچه سبب تکیه دادن می‌شود و کسی که گواهی دیگری را تقریر می‌کند و نیز اسناد دهنده، از معانی آن است.

ب: معنای اصطلاحی مُسْنِد:

به عنوان لقب بر کسی اطلاق می‌شود که در زمان یا شهر خویش از دانش چشمگیری در حدیث برخوردار است.^(۴) مقام علمی «مُسْنِد» از "حافظ" و

۱- صدر سید حسن، پیشین، ص ۱۲

۲- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن: مقدمة المعرفة كتاب الجرح والتعديل، الطبعة
حیدرآباد، ۱۳۷۱ق، ص ۲۰

۳- سبحانی، جعفر: اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایه، الطبعة الثانية، مؤسسه امام
صادق (ع) ۱۴۱۴ق ص ۶۶.

۴- الحسینی الجلالی، محمدجواد: مقالة المسند (۱)، مجله نور علم، شماره ۴ (خرداد



”محدث“! پایین تر است.^(۱)

۱،۱،ع - مُسْنَد

الف: معنای لغوی مُسْنَد

واژه ”مُسْنَد“ اسم مفعول (صفت مفعولی) از ”أَسْنَد“ (باب افعال) و جمع آن ”مساند“ و مسانید است. این واژه به معنی «پسر خواننده» «روزگار» اسناد شده یا نسبت داده شده، چیزی که به آن تکیه داده شود، آن کسی که به او پناه برده شود و به معنی تکیه گاه استعمال نمی شود.^(۲)

قابل توجه است که در قرآن کریم از همخانواده این واژه تنها یک کلمه و آن هم یک بار بکار رفته است و آن کلمه «مُسْنَدَه» در آیه شریفه «كَانَهُمْ حُشْبٌ مُسْنَدَةٌ» یعنی «گویی که ایشان (منافقان) چو بهایی اند بتر باز نهاده»^(۳)

اما در حدیث از این خانواده بسیار بکار رفته است.

ب: معنای اصطلاحی مُسْنَد:

یک) خط مردم عربستان جنوبی (یمن) در روزگار باستان.^(۴)

۱۳۶۳، ص ۱۴۱.

۱- مدیر شانه چینی، کاظم: درایة الحدیث، چاپ سیزدهم، دفتر انتشارات اسلامی ۱۳۷۷ ص ۲۱

۲- فیومی، احمد ابن محمد علی المصری: مصباح المنیر: ۲ ج، الطبعة الاولى - قم، مؤسسه دارالهجرة)، ۱۴۰۵ ق، ص ۳۷۵؛ زمخشری: اساس البلاغه ص ۳۱؛ ابن منظور: لسان العرب ۳۸۷/۶؛ ابن فارس زکریا بن احمد: معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ۶ ج، الطبعة الثانية اسماعیلیان و نیز چاپ مکتبه الاعلام الاسلامیه، ۴۷۴/۱؛ با خلیل ابن احمد فراهیدی، العین ۲/۲۲۸.

۳- قرآن کریم، منافقون / ۴

۴- حجتی، سید محمد باقر: پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۶۲.



دو) در برابر «مسندالیه» اصطلاحی در دستور زبان و علوم مبالغت. سه) در برابر «مرسل» و «منقطع»^(۱) و در نزد حدیث شناسان، حدیثی است که سندش از راوی تا پیامبر (ص) (یا معصوم) پیوسته و متصل باشد و به عبارت دیگر حدیثی است که از زنجیره اسناد آن حلقه‌ای مفقود شده باشد. بنابراین مسند، حدیث موقوف و مقطوع را - هر چند که اسناد آن دو پیوسته باشد - و مرسل و منقطع را - هر چند که مرفوع باشند - در بر نمی‌گیرد. چهار) گاه از کاربرد واژه «مسند»، «اسناد» و یا خود «سند» مورد نظر است، در این صورت این واژه «مصدر میمی» است. لذا می‌توان گفت: نزد حدیث پژوهشان، «مسندالشهاب» و «مسندالفردوس»، «اسنادالشهاب» و «اسنادالفردوس» معنای دهد.^(۲) پنج) «مسند» (جمع آن مسانید) در برابر مصنف در علم حدیث به عنوان دانشواره در وصف پاره‌ای از مجموعه‌های حدیثی به کار می‌رود.

توضیح اینکه واژه مسند گاه وصف حدیث است و گاهی وصف «کتاب حدیث» مثلاً می‌گوییم: کتاب مسند، یا به نام مؤلف یا راوی اش اضافه می‌شود، به عنوان نمونه مسند احمد بن حنبل و نیز قابل توجه است که شیوه مسند نویسی با تألیف مصنفها متفاوت است. چون در «مصنف» به دنبال هر بابی احادیث مربوط به آن

۱- مرسل: حدیثی است که محدث آنرا با اسناد پیوسته به تابعی می‌رساند، آنگاه تابعی می‌گوید، رسول خدا گنت. منقطع: حدیثی است که از اسناد آن یک تن افتاده باشد، یا در اسناد آن فردی مبهم باشد. نک: صبحی صالح: علوم حدیث و مصطلحه، الطبعة الاولى، جامعة دمشق، ۱۳۷۹ ق، ص ۱۶۸.

۲- سیوطی، تدریب الراوی، ۴۲/۱ و نیز برای مطالعه تفصیلی نک: طباطبایی، سید کاظم، مسند نویسی در تاریخ حدیث. چاپ اول، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۰ به بعد.



جمع آوری می شود ولی در مسند نویسی احادیث را بر حسب راویان ترتیب می دهند، بنابراین، محور احادیث در مصنف "وحدت موضوع" و در مُسند "وحدت ناقل" است. (۱)

اینک برای آگاهی بیشتر انواع حدیث را به طور مختصر نام می بریم.

۱،۱،۵- کتابهای حدیثی

۱،۱،۵،۱- کتابهایی که بر محور ابواب تألیف شده‌اند.

الف) جوامع: کتابی است که احادیث و ابواب آن تمام موضوعات دینی را در بر دارد. مانند: "کافی اثر مرحوم کلینی" و "بحار الأنوار محمد تقی مجلسی"; در میان اهل سنت: "الجامع الصحیح اثر محمد بن اسماعیل بخاری" (ق ۳) و "الجامع الصحیح اثر مسلم بن حجاج قشیری نيسابوری"

ب) سنن: کتابهایی که احادیث احکام را در بر دارد. مثل: سنن اثر سلیمان بن اشعث آزدی سجستانی و ...

در میان شیعه کتاب معروف به سنن نداریم ولی از لحاظ برداشت میتوان به:

"من لا یحضر" اثر شیخ صدوق و "تهذیب" و "استبصار" اثر مرحوم ابو جعفر محمد بن حسن طوسی ملقب به شیخ الطائفة و "وسائل الشیعه" اثر شیخ حر عاملی، اشاره

۱- مدیر شانه چی، کاظم: علم الحدیث، چاپ سیزدهم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۹؛ نک: درایة الحدیث ص ۲۸؛ سیوطی، تدریب الراوی، ۴۲/۱، الکتانی، محمد بن جعفر؛ الرسالة المستطرفة، ج ۱، بیروت، ۱۳۳۲ ق، ص ۳۶؛ القاسمی، جمال الدین محمد: قواعد التحدیث، تحقیق محمد بنجه البیطار، ج ۱، الطبعة الثانية، القاهرة، دارالاحیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۰ ق، ص ۱۲۳؛ ابوریة، محمد، اضواء علی سنته المحمدیة، الطبعة الثالثة، مصر، دارالمعارف، ۱۱۱۹ ق، ص ۲۱۶؛ ونیز مختاری، علی، مثاله مسند و مسند نویسی، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۴، تابستان ۱۳۱۶، ص ۴۴ به بعد.

کرد.

(ج) صحاح: جمع صحیح؛ کتابهایی هستند که مؤلفان آنها به پندار خویش کوشیده‌اند تا تنها احادیث صحیح را جمع آوری نمایند، مثل: صحیح بخاری و مسلم.

(د) مصنفات: مصنف کتابی است که بر اساس ابواب مدون شده‌گشته؛ مصنف ابن‌همام صنعانی (۲۱۱ ق) و دیگری مصنف "ابی بکر بن ابی شیبه" (۲۳۵ ق) است.

(ه) مستدرکات: کتابی که به عنوان متمم کتابی دیگر نوشته می‌شود. نام آورترین آنها "مستدرک الصحیحین" است اثر ابو عبدالله حاکم نیشابوری و دیگری "مستدرک الوسائل" اثر میرزا حسن نوری (۱۳۲۰ ق) است.

(و) مستخرجات: در "مستخرج" مؤلف احادیث کتابی را در نظر می‌گیرد و آن احادیث را نه با طریق صاحب کتاب، بلکه با سندی که خود از طریق استادان خویش در اختیار دارد، نقل می‌کند؛ مثل: مستخرج "ابوبکر اسماعیلی" نسبت به "صحیح بخاری" و مستخرج "ابوعروانه اسفراینی" نسبت به "صحیح مسلم".^(۱)

۱،۱،۵،۲: کتابهایی که بر محور نامهای صحابه مدون شده‌اند.

(الف) مسانید: در این روش به دنبال نام صحابی تمام مرویات او را اعم از صحیح و حسن و ضعیف گرد می‌آورند و بر طبق این سبک گاهی بر طبق حروف الفبای نام ایشان است و گاه قبایل. و از قبيله نزدیک به پیامبر به قبيله دورتر، گاهی پیشی جستن

۱- قابل توجه است که در پاره‌ای کتابها مستخرج ابو عروانه را به غلط در شمار مسندها یاد می‌کرده‌اند. نک: مدیر شانه‌چی، کاظم: علم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۶۱.



به آیین اسلام در نتیجه از "عشره مبشره" (به عقیده اهل سنت ده نفری که پیامبر به آنها وعده بهشت داد) شروع می‌کند. به عقیده "ابن صلاح" این شیوه بهتر است. لازم به ذکر است که عادت بیشتر مؤلفان مسندها چنین است که مسند خود را با احادیث ابوبکر آغاز می‌کنند، پس از آن احادیث دیگر خلفای راشدی و آنگاه احادیث دیگران را از "عشره مبشره" چنانکه در مسند ابوداؤد طیالسی و حمیدی و احمد بن حنبل به چشم می‌خورد.

مسندها بسیار گوناگون است، گاه احادیث یک تن مثل: مسند امیرالمؤمنین علی (ع) یا مسند ابی بکر و گاهی چند تن مثل: "مسند اربعه" و یا "مسند العشره"، گاهی هم احادیث گروه مخصوصی را فراهم ساخته‌اند که در داشتن ویژگی واحدی مشترکند، مثل "مسند المقلین" و "مسند الصحابة الذين ماتوا في زمان النبي (ص)" و در بسیاری موارد شمار فراوانی از اصحاب را گردآوری کرده‌اند، مثل: مسند احمد بن حنبل و مسند ابی یحییٰ مؤصلی. کتابی که مسند نام گرفته، گاه به مؤلفش منسوب است، مثل: مسند احمد بن حنبل و گاه به راوی اش، مثل: مسند امام موسی بن جعفر (ع).

ب) اطراف: اطراف جمع "طَرْف" و "طَرْف"، به معنای نوک و لبه هر چیزی است و "طَرْفِ حدیث" جان کلام و برجسته‌ترین بخش آن است و مقصود از کتابهای اطراف، کتابهایی است که مؤلف به ذکر برجسته‌ترین بخش حدیث قناعت می‌کند، آنگاه طُرُق نقل و اسانید آن حدیث را از مآخذی که آن را روایت کرده‌اند، یکجا گرد می‌آورد، به عبارت دیگر کتابهای اطراف در واقع حکم فهرست راهنما یا فرهنگ



حدیث یاب را دارند .

این قبیل فهرستها بسیارند ، معروفترین آنها ، "تحفة الاشراف به معرفة الاطراف" اثر حافظ "ابوالحجاج یوسف ابن عبدالرحمن مزّی" است. (۱)

۱،۱،۵،۳- معاجم:

جمع "معجم" است و "معجم" کتاب حدیثی است که احادیث در آن به ترتیب صحابه یا استادان یا شهرها آورده می شود و غالباً به ترتیب حروف الفباست و گاهی بر اساس تاریخ وفات یا فضیلت و تقدم و تأخر آنها در دانش و پرهیزگاری است. (۲)

نام آورترین معجم ها، معاجم سه گانه « ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (۳۶۰ق) که « المعجم الصغیر و المعجم الاوسط » بر اساس نام استادان مؤلف فراهم شده و " المعجم الکبیر " ، مشتمل بر مسندهای صحابه بر طبق حروف الفباست . و می توان آنرا گونه ای از مسندها دانست .

۱،۱،۵،۴- کتابهایی که بر اساس واژه آغازین احادیث مرتب شده اند.

این نوع کتابها گرچه برای مراجعه بسیار آسانتر هستند ، ولی پژوهشگر باید عین نخستین واژه از حدیث مورد نظر را بداند ، این تألیفات دو گونه اند .

الف- کتابهایی که احادیث مجموعه های حدیثی گوناگون را در خود فراهم آورده اند، مهمترین آنها "الجامع الکبیر" یا " جمع الجوامع" از سیوطی و دیگری "

۱- سیوطی ، جلال الدین: تدریب الراوی ، ۱۵۵/۲ و نیز

c.f.:G.H.Ajuynboll. MUSNAD. Encyclopaedia of Islam , vol. VII, p.706

۲- القاسمی ، جمال الدین: تنضیل المبین علی عند الجوهرة الثمین ، تحقیق عاصم بهجة البيطار ، الطبعة السابعة ، بیروت ، دارالمناس ، ۱۴۰۶ ق ، ص ۱۰۶ .

الجامع الصغير لاحاديث البشير و النذير" از دانشمند پیشگفته است.

ب- کتابهایی که احادیثی را در خود فراهم ساخته‌اند که بر سر زبانها جاری است نام آورترین این کتابها: المقاصد الحسنة فی الاحاديث المشتهرة علی اللسنه» از "شمس الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی" (۹۰۲) است. و دیگری «كشف الخفاء و مزيل الالباس عما اشتر من الحديث علی السنة الناس» از اسماعیل بن محمد عجلونی (۱۱۶۲ق).

۱،۱،۵،۵ - مجامع یا کتابهای فراگیر:

این کتابها در عین حال که احادیث شماری از مآخذ حدیث را دربر گرفته بر محور ابواب نیز تألیف شده‌اند. نمونه هایی از آنها:

یکم: جامع الاصول من احاديث الرسول: از مبارک بن محمد جزری معروف به "ابن اثیر" (۶۰۶).

دوم: کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال: از علی بن حسام متقی هندی (۹۷۵ق)

۱،۱،۵،۶ - زواید:

گاه مؤلفی دو کتاب را با هم سنجیده و احادیث زائد یکی بر دیگری را در کتابی گرد آورده، به اینگونه کتابها "زواید" می‌گویند. (۱) مانند: «المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه.» اثر ابن حجر عسقلانی.

۱۱،۵،۷ - تخریج:

کتابی است که برای نشان دادن منابع و مأخذ احادیث کتاب معینی نوشته می شود، مثلاً: «المعنی عن حمل الاسفار فی الاسفار فی تخریج ماضی الاحیاء من الاخبار» از حافظ عبدالرحیم بن حسین عراقی (۸۰۶ق) که احادیث «احیاء علوم الدین غزالی» را تخریج نموده.

۱۱،۵،۸ - اجزاء:

مجموعه حدیثی که تنها از یک تن نقل شده باشد، مثل: «جزء حدیث ابی بکر»، شایان ذکر است که به یک مجموعه حدیثی که درباره یک مطلب گرد آمده باشد نیز اطلاق می شود مثل: «جزء القراءة خلف الامام» از بخاری، یا نوشته ای که به بررسی اسنادهای یک حدیث واحد پردازد، مثل: «اختیار الاولی فی الحدیث اختصام المملأ العلی» از «رجب حنبلی».^(۱)

۱۱،۵،۹ - مشایخ:

جمع "مشیخه" کتابی است که محدثان نام استادان خود و کتابها و احادیثی را که آنان فرا گرفته اند، در آن فراهم می آورند و اسناد خود را با آن کتابها در آن می نویسند.^(۲) مثل «مشیخة الفقیه» اثر شیخ صدوق به پیوست "من لا یحضر".

۱۱،۵،۱۰ - علل:

کتابهایی که احادیث "معلل" را همراه با بیان علتش در آن گرد آورند^(۳)، مثل:

۱- الکتانی: رسالة المستطرفه، ص ۶۵-۶۵.

۲- میرداماد، میرمحمد باقر: الروایح السعدیة، قم، مکتبة آیة الله العظمی، ۱۴۰۵ق، ص ۷۵.

۳- حدیث معلل حدیثی است که در آن بیماری یافت شود یا عیب پنجهان و پیچیده ای که به سلامت حدیث



«المسند المعلل» اثر یعقوب بن شیبه سروشی (۲۶۲ق).^(۱)

۱،۵،۱۱ - امالی:

جمع املاء: غالباً کتاب حدیثی را گویند که شیخ حدیث دو مجالس متعدد بر شاگردان املاء کرده باشد، مثل: امالی شیخ صدوق از همین رو امالی «مجالس» نیز می نامند.

با دانستن انواع کتابهای حدیث جایگاه مسند نویسی در بین آنها روشن می شود.

۱،۱،۶ - نقد و سنجش روش مسند نگاری:

بیشترین خرده ای که بر این روش گرفته شده دشوار یاب بودن حدیث در آن است و این روش در روزگار قدیم که بر حافظه تکیه می کردند، سودمند بوده ولی اکنون که بیشتر بر نوشتن است، این ترتیب سودمند نیست چون پژوهنده به آسانی، حدیث مورد نظرش را نمی یابد و نمی تواند میان احادیث پراکنده در باب واحد جمع کند، لذا بهره جویی از کتابهای مسند رو به کاهش نهاده اما با اینهمه انصاف این است که بگوییم این روش فوائدی نیز دارد.

الف) مسندنگاری در زمان پیدایش، گام تازه ای در تدوین حدیث بوده که همان

لطمه وارد سازد و سه قسم است ۱- علل در سند ۲- علل در متن ۳- در هر دو، نک السیوطی، تدریب الراوی ۲۵۱/۱-۲۵۲.

۱- کاتب چلبی، مصطفی بن عبد...: کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، استانبول، معارف الجلیله، ۱۳۶۶ق - ۱۶۷۸/۲.

استقلال حدیث از فقه است، زیرا مرویات هر یک از صحابه را جمع و کتابهای حدیث را از اقوال صحابه و فتاوی آنها پیراسته است.^(۱)

(ب) این روش نشان می‌دهد از طریق هر صحابی چه تعداد حدیث نقل شده و مرویات او از چه نوع است.

(ج) در این روش اگر پژوهنده نام راوی حدیث را بداند، می‌تواند از این رهگذر به حدیث مورد نظر خود برسد.

(د) روش تدوین مسندها، گرایش سیاسی، حزبی و قبیله‌ای صحابه را نشان می‌دهد و این می‌تواند مهمترین فایده این سبک نگارش باشد، به عنوان نمونه با نگرستن در مسند احمد بن حنبل دانسته می‌شود که از میان ۱۴ حدیثی که «سیره بن معبد جهنی» روایت کرده، ۱۰ حدیث به نسخ حلیت ازدواج موقت در حیات رسول اکرم (ص) مربوط می‌شود و حتی اکثر اشخاصی که این‌گونه احادیث را نقل می‌کردند در زمره خوارج بودند.

از میان چهار حدیثی که "نافع بن عبد الحرث" نقل کرده، ۲ حدیث در منقبت ابوبکر و عمر و عثمان است.^(۲) و یا حدیث «ان المیت لیُعذب بیکاء الحی علیه» غالباً به عمر بن خطاب و پسرش ختم می‌شود. پس می‌توان گفت، مسند نویسی به نقد داخلی و خارجی حدیث کمک می‌کند.^(۳)

۱- احمد امین: ضحی الاسلام، بغداد، طبعه محمد حسین، ۳، الطبعه العاشره، بیروت، دارالکتب العربیه، ۱۰۹/۲.

۲- احمد بن حنبل، المسند، ۶، ج ۶، چاپ: بهمنیه ۱۳۱۳، ۴/۳-۴۰۸، لازم به ذکر است هر جا از مسند احمد استناد کنیم و ارجاع دهیم مراد همین کتاب است.

۳- نقد داخلی بررسی احوال روایت و خروج و تعدیل آنان و نقد خارجی پرداختن به متن حدیث است.



۱،۱،۷- سبب نامگذاری مسند بر کتابهای مورد بحث و پیشینه آن

گویا مسندها را بد تبع احادیث کامل الاسنادی که در آنها به ثبت رسیده ، مسند خوانده‌اند و این از باب تسمیه کل بر جزء است. به این معنا که این نام یا وصف را از یک حدیث منفرد بر گرفته و به کل مجموعه داده‌اند. (۱)

سخن حاکم نیشابوری مؤید این مطلب است:

«هر گاه صحابی که به نصاحت با پیامبر شناخته شده به عبارتی نظیر "به ما فرمان داده شده ، مأمور بودیم و یکی از سنتها چنین بود" و از این قبیل را بگویند ، آن سخن در زمره حدیث مسند است و تمام این قبیل موارد را در کتابهای مسند آورده‌اند.» (۲)

در مورد پیشینه وجه تسمیه مسند ، ابو علی جبائی می‌گوید: «حق تعالی سه نعمت را به این امت اختصاص داد ، اسناد ، انساب و اعراب. (۳)

از تعابیر معصومین بدست می‌آید که این واژه از لسان خاندان وحی سرچشمه گرفته و بعدها در میان حدیث شناسان یک اصطلاح شده ؛ مثل: «عن السکونی ، عن ابی عبدالله قال امیر المؤمنین (ع): "اذا حدثتم بحديث ، فاسندوه الى الذی حدتکم ، فان کان حقاً فلکم و ان کان کذباً فعلیه» (۴) یعنی اگر حدیثی برای شما نقل کردند آن را

1- Such a collection was called musnad after the tradition with complete isnad's incorporated in it. this name was that transferred from the single tradition to the whole collection.

c.f. Juynboll , HADITH , shorter Encyclopaedia of Islam , p.119

۲- الحاکم النیشابوری ، ابو عبد الله محمد بن عبد الله : معرفة علوم الحديث ، تصحیح الدكتور السيد معظم حسین ، اج القاهرة مطبعة دارالکتب المصریة . ۱۹۳۱ م ص ۲۲ . ۳- مختاری ، علی ، پیشین ص ۴۳ .

۴- الحر العاملی ، محمد بن حسین : وسائل الشیعة . تحقیق عبدالرحیم الربانی ، ۲۰ اج ، الطبعة الخامسة ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی ، ۱۴۰۳ هـ . ۵۶/۱۱۰ حدیث شماره ۱۴ .

به گوینده اش (کسی که برای شما نقل کرده) اسناد دهید، اگر حق باشد پس بر شماست و اگر دروغ باشد پس بروست. و احادیثی از این قبیل.

در مورد وجه تسمیه این کتابها باید افزود: اسناد احادیث موجود در مسندها جملگی مسند و پیوسته نیستند، بلکه در این کتابها احادیث منقطع بسیاری به چشم می خورد. برای نمونه با بررسی دویست حدیث از آغاز مسند احمد بن حنبل به سی حدیث منقطع برخورد می کنیم. حدیث شماره: ۷، ۱۸، ۲۷، ۳۷، ۴۶، ۴۹، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۸۱، ۹۶، ۱۰۶ تا ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۹۳، ۱۹۴.^(۱)

۱،۱،۸- هرج و مرج در بکار بردن نام مسند:

برخی از مجموعه های حدیثی به چشم می خورد که به اشتباه، مسند نامیده می شود. مثلاً: «سنن عبدالله بن عبدالرحمن دارمی» را مسند هم می خواندند با آنکه از نظر نظم و ترتیب و هماهنگی با مسندها ندارد یا «مصنف ابن ابی شیبه» را هم گاه با مسند یاد کرده اند و از همه جالب تر و شگفت تر اینکه «ابن خلدون» از کتابهای بخاری و مسلم هم با عنوان «المسند الصحیح» سخن می گوید.^(۲)

به نظر می آید این آشفتگی و هرج و مرج نشان از این باشد که تشخیص مجموعه های حدیثی که متعلق به این نوع است یا آن نوع در دوره های نخستین تا حدودی از ضوابط مشخص پیروی نمی کرده است. علاوه بر این در زمانهای قدیم

۱- احمد بن حنبل، مسند، شرح و چاپ احمد محمد شاکر؛ ۱۵ ج، ایشان گسستگی اسناد این حدیثها را متذکر شده است.

۲- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه العبر...، مصر، المكتبة المصطفی محمد، ص ۴۴۴.



مؤلفان برای کتابهای خود نامی بر نمی‌گزینند و این راه را برای اعمال سلیقه‌های گوناگون باز گذاشتند.

البته قابل ذکر است که برخی از گزارشات نشان می‌دهد که بخاری کتاب خود را «مسند» نامیده (۱)

۱،۱،۹ - نوعی دیگر از مسندها:

با گسترش معنای مسند هر کتابی که تنها مرویات یکی از پیشوایان معصوم (ع) یا مرویات یکی از راویان را دربر داشته باشد مسند خوانده می‌شود. مثل: «مسند امام الصادق (ع)» مسند امام الزید و ...